

سینما

فرهنگ کامل واژه‌های سینمایی (۲)

۱۹۴۰ و سراسر دهه ۱۹۵۰، بازیگری تحت تأثیر دو جریان مهم، یکی فیلمهای نئورالیستی ایتالیایی و دیگری مکتب بازیگری «اکتورز استودیو»ی نیویورک، رنگ و بوی تازه‌ای پیدا کرد و توجه روزافزونی را به خود کشاند. شیوه بازیگری مارلون براندو و جیمز دین، که هر دو از تربیت‌شدگان مکتب «بازیگری متدی» بودند، از این نظر بسیار چشمگیر بود و تأثیر بازیهای آنان بر بازیگران معاصر چون داستین هافمن، آل پاچینو، و رابرت دنیرو بسیار بارز است. امروزه نحوه بازی بازیگران را می‌توان به دو دسته مشخص تقسیم کرد: آنها که می‌کوشند شخصیت خاصی، معمولاً شخصیت خود، را مجسم کنند و آنها که فقط سعی دارند نقش شخصیت مورد نظر را برپرده بیاورند.

مربی بازیگری acting coach

۱) شخصی که کار او مساعدت به بازیگر در ایفای بهتر نقش است. ۲) آموزگار بازیگری که به طور مستقل با یک یا چند بازیگر کار می‌کند.

تشعشع actinicity

خاصیت تابش (تشعشع) در دگرگونی شیمیایی. در سینما مقدار نوری است که عملاً روی امولسیون فیلم می‌نشیند. برای مثال، نور طبیعی آکسینیت زیادی برای فیلم خام پانکروماتیک دارد که نسبت به تمام

صورت گسترش بازیهای اغراق‌آمیز و تئاتری در آغاز سینمای صامت حساب کرد که طی آن بازیگران این رسانه نوپا هنوز تحت تأثیر تئاتر بودند و علاوه بر آن باید فقدان صدا را هم جبران می‌کردند. این شیوه تا مدتهای مدید ادامه داشت و به تدریج بازیهای طبیعی‌تر و رالیستی‌تر شد و کار به آنجا رسید که حتی بازی بازیگران غیرماهر هم به مدد تدوین، پذیرفتنی به نظر می‌آمد. چنین توسعه‌ای نه یک سیر مستقیم را دنبال می‌کند و نه چندان روشن است، و همواره باید متذکر انواع مختلف ژانر فیلم و نیازهای متفاوت از بازیگر بود.

دیوید وارک گریفیت کوشید تا با انتخاب سنجیده بازیگران، استفاده هوشمندانه از دوربین و توجه فزون‌تر از سابق به بازیگری، اعتباری بیش از همیشه برای این فن به بار آورد. هرچند فیلمهای او ممکن است بسیار استیلیزه به نظر بیایند. بعدها فیلمسازانی چون جوزف فن اشترنبرگ و فریدریش ویلهلم مورنا، در فیلمهای صامت خود، جلوه‌های تازه‌ای به بازیگری در سینما افزودند. با ورود صدا به سینما، بازیگر از تأکید غیرطبیعی بر تغییر حالت‌های چهره و اداها خلاص شد، اما در فیلمهای دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ «نظام ستاره‌ای» و محبوبیت «شخصیتهای سینمایی» مشخص سبب شده بود تا بازیهای بازیگران سرشناس سینما، ادایی یکنواخت و حتی گهگاه اغراق‌آمیز به نظر بیاید. در اواخر دهه

بازیگری acting

ایفای نقش شخصیتی در فیلم از خلال انجام کنش، تغییر حالت‌های صورت، رفتار، و در سینمای ناطق، تغییر لحن گفتار. بازیگری در سینما، برخلاف تئاتر، که در آن بازیگر مستقیماً با تماشاگر روبروست و بازی خود را بیواسطه برای او انجام می‌دهد، از خلال حضور در برابر دوربین و به مدد تمهیداتی چون تدوین، لبه صدا و امکانات دیگری صورت می‌گیرد که بر بازی بازیگر اثر خاصی برجا می‌گذارند و آن را تقویت، و در مواردی تضعیف، می‌کنند. در سینما، صحنه‌ها نما به نما فیلمبرداری می‌شود و گاه فیلمبرداری یک نما، با چند برداشت متوالی به نتیجه مطلوب می‌رسد، در کنار اینها جنبه‌های اقتصادی و زمانبندی فیلمها هم بر بازی بازیگر اثر می‌گذارد و آن را از حالت یکپارچه بازی تئاتری دور می‌کند و همین‌تکه‌تکه شدن بازی، مشکلات زیادی به همراه می‌آورد و ویژگی‌هایی متفاوت با بازی تئاتری به آن می‌بخشد. در سینما، بازیگر لاجرم جلوی دوربین بازی می‌کند و معمولاً فاصله چندان با دوربین ندارد، در نتیجه کوچکترین حرکت او برای بیننده محسوس است، میکروفنهای حساس هم قادرند آهسته‌ترین نواها را ضبط کنند. در نتیجه در سینما شیوه به کارگیری بدن و صدای نحوه بازی تئاتری منتفی است و به سبکی متین‌تر و طبیعی‌تر برای بازیگری نیاز دارد. تاریخ بازیگری در سینما را می‌توان به

بخشهای طیف رنگ حساس است. نیز — فیلم (۱).

دستور شروع، کنش، ماجرا، خط کلی
action **قصه، تصویر**

(۱) دستور شروع بازی که از سوی کارگردان و پس از اطلاع از آمادگی فیلمبردار و صدابردار صادر می‌شود تا بازیگران بازی خود را آغاز کنند. (۲) آنچه شخصیتها طی صحنه‌ای انجام می‌دهند و در واقع کنشها و رفتارهای بازیگران در طول صحنه را تشکیل می‌دهد. (۳) ماجرای، کلی که در هر نما یا سکانس رخ می‌دهد (مثلاً تعقیب و گریز). فیلمها براساس مقدار ماجرای که در آنها رخ می‌دهد، یا به عبارت دیگر، تعدد ماجراهایی که در هر فصل فیلم یا کل رویداد آن به وقوع می‌پیوندد، با هم متفاوتند. برای مثال «سترنهای پرماجرا» از این نظر بیشتر به ماجراها نظر دارند تا به مثلاً شخصیت‌پردازی. (۴) خط کلی قصه فیلم. (۵) تصویر فیلم که متمایز از لبه صدای آن است.

action axis-- imaginary line

تدوین کنشی **action cutting**
تدوینی که طی آن کنش نماها پیوسته به نظر بیاید. تماشاگر معمولاً متوجه چنین تغییراتی در پرسپکتیو کار نمی‌شود. تدوین کنشی این حسن را دارد که مانع از یکنواختی صحنه می‌شود، حادثه و هیجان

به صحنه می‌افزاید و برخی از جنبه‌های رویداد را مؤکد می‌کند و اطلاعات بیشتری در اختیار تماشاگر می‌نهد. نمایش این نماها نباید مشوب‌کننده باشد و حفظ تداوم در آن ضروری است و این کار اگر بخواهد با یک دوربین صورت گیرد، با تکرار آخرین حرکتهای نمای قبل در اولین حرکتهای نمای بعدی و در صورت وجود دو یا چند دوربین، با اتصال نماهای گرفته شده توسط هر دوربین در لحظه مناسب، یا انتقال دقیق از دوربینی به دوربین دیگر، انجام می‌شود. این تکنیک را تدوین در لحظه انجام کنش هم می‌گویند. نیز تدوین در لحظه انجام کنش، کنش تطبیقی و تدوین نامرئی.

action field-- field of action

فیلم ماجرای **action film**

فیلمی که بیشتر به نمایش ماجراهای پرتنش و تماشایی اختصاص دارد تا به شخصیت‌پردازی. برای مثال غالب فیلمهای وسترن و گنگستری از این زمره‌اند.

اثاثه ماجرا

action properties, action props

اثاثه‌ای که در صحنه موجود است و در ماجرای فیلم به کار گرفته می‌شود (مثلاً گلدان یا اسلحه) نیز — چیزهای به ردخورندی.

عکس ماجرا **action still**

عکس بزرگ شده‌ای از صحنه‌ای از فیلم که معمولاً برای تبلیغ از آن استفاده می‌شود.

بازیگر مرد **actor**

(۱) هر مردی که در فیلمی به ایفای نقشی بپردازد. (۲) هر بازیگری، چه مرد یا زن، که نقشی در فیلمی ایفا کند. این واژه بار معنایی خاصی دارد، که از محبوبیت بازیگران، در زندگی واقعی یا نقشی که برعهده می‌گیرند، نتیجه می‌شود. بنابه گفته مشهوری بازیگران بازیگرند، حتی اگر به ظاهر بازی نکنند. دگرگونیهای اجتماعی برسلیقه عمومی اثر می‌نهد و متقابلاً این عامل بر انتخاب بازیگر برای نقشهای مختلف مؤثر است، ولی در این هم تردیدی نیست که سینما می‌تواند بر نحوه نگرش جامعه به واقعیت و تیپ مشخص افراد اثر بگذارد. به طور کلی بازیگران برچند دسته‌اند: کسانی که در نقشهای مختلف شخصیتهای یکسانی ارائه می‌دهند؛ بازیگرانی که شخصیت فردی نقش را ارائه می‌دهند و بازیگرانی غیرحرفه‌ای یا آماتور که نوعی حقیقت‌نمایی به نقش می‌دهند.

آکتورز استودیو **Actors Studio**

یک کلاس بازیگری در نیویورک که به سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و در آن بازیگران به تمرین و بهبود هنر خود می‌پردازند. شرط شرکت در این کلاسها، داشتن تجربه



بازنگری، یا مهارت و استعداد فوق العاده است. سبک بازی آکتورز استودیو، که به «بازنگری متدی» مشهور است، بسیار ناتورالیستی (طبیعی) بوده و از آثار استانیسلاوسکی بازیگر و کارگردان روسی الهام می‌گیرد. گروه بازیگران متدی در دهه ۱۹۵۰ تأثیر بزرگی بر سینما برجا نهادند و این امر به ویژه در بازیهای مارلون براندو و جیمز دین و کارگردانی ایلینا کازان، یکی از بنیادگذاران این مدرسه، مشهود است. کازان فیلم مشهور در بارانداز را به سال ۱۹۵۴ و با بازی مارلون براندو ساخت. نیز — بازنگری متدی.

بازیگر زن actress

هرزنی که در فیلمی به ایفای نقش بپردازد. نیز — بازیگر (۲).

رخداد‌های روزمره actualite's

عنوانی که برادران لومیر به فیلمهای کوتاهی که از رخداد‌های روزمره تهیه می‌کردند داده بودند و یک نمونه مشهور آن ورود قطار به ایستگاه (۱۸۹۵) است. گروه ادیسن و دیگر فیلمسازان اولیه تاریخ سینما این رخداد‌های روزمره یا وقایع اتفاقیه را فیلمبرداری می‌کردند و با نمایش آنها بر پرده سینما، مایه حیرت تماشاگران می‌شدند.

صدای محیط، صدای سر صحنه

actual sound

۱) صدای محیط که هنگام فیلمبرداری در خارج از استودیو روی لبه صدا ضبط می‌شود تا به اعتبار صحنه بیفزاید. (۲) گفت‌وگوها و صداهای طبیعی که هنگام فیلمبرداری از نمایی ضبط شده و به جای دوبله یا صدای روی فیلم استفاده می‌شود. (۳) هرصدایی که ناشی از بروز ماجرای بر پرده باشد.

تیزی (وضوح) تصویر acutance

معیار تغییر چگالی در لبه موضوع در نسخه منفی (نگاتیو)، از ناحیه به طور ضعیفی نور دیده تا ناحیه به شدت نور دیده. این میزان را چگالی سنج اندازه‌گیری می‌کند و معیار دقیقی از تیزی یا وضوح تصویر است. نیز — تفکیک و چگالی سنج.

تطبیق دادن (اقتباس کردن) adapt

بازنویسی و انتقال اثری از یک رسانه به رسانه دیگر و برای مثال، ساختن فیلمی براساس نمایشنامه، قصه کوتاه، رمان یا کتاب غیر قصه‌ای. نیز — تطبیق، اقتباس.

تطبیق، اقتباس adaptation

اثری در قالب رسانه‌ای که براساس اثر دیگری در رسانه‌ای متفاوت شکل می‌گیرد. اقتباسهای سینمایی را می‌توان براساس نمایشنامه، قصه کوتاه، رمان، آثار تاریخی، زندگینامه‌ها و گاه حتی شعر یا تصنیف ساخت. این اقتباس می‌تواند آزاد باشد و در آن فقط حال و هوای کلی اثر، بخشی از آن، شخصیتی، یا حتی عنوانی حفظ گردد؛ و می‌تواند «ادبی» باشد و خط کلی داستان اصلی، شخصیتها و حتی گفت‌وگوها را، تا حد ممکن، حفظ کند. به هر حال سینما رسانه‌ای متفاوت با زیبایی‌شناسی و مسائل فنی خاص خود است و اثری که از آن اقتباس صورت می‌گیرد، باید به فرمی اساساً متفاوت و بی‌همتا دگرگون شود. نمایشهایی که به فیلم برمی‌گردند، برای گروهی از تماشاگران جذابیت دارد، اما بسیاری دیگر آن را کند و معمولاً خسته‌کننده می‌یابند. اقتباس ادبی را می‌توان با تکنیکهای کارآمد و مناسب جذاب از کار درآورد، اما این اتفاق همیشه رخ نمی‌دهد. نویسنده با حروف و چاپ سر و کار دارد و این به عهده فیلمساز است که دیدگاه شخصی خود را از شخصیتها، ماجراها و صحنه‌آرایی ارائه دهد. سینما واقعیت عینی خاصی می‌آفریند که کاملاً و به دقت تعریف شده است و نیازهای نمایشی خاص خود را دارد. سینما به شخصیتها جان می‌دهد و آن را با محیط رویرو می‌کند و جلوی چشم تماشاگر می‌آورد. فیلمساز همانقدر باید نگران جنبه‌های تصویری کارش باشد که نگران فرم نمایشی آن.

فیلمسازان معمولاً از کاربرد روراست خط قصه داستانها در فیلمی که براساس آن می‌سازند احتراز جسته‌اند و کمتر تمایلی دارند که عناصر محبوب‌کننده آثاری را که در رسانه‌های دیگر شکل گرفته‌اند به کار برند. اما برخی از محبوب‌ترین فیلمهای تاریخ سینما، براساس رمانهای پرفروش

ساخته شده‌اند و برپادرفته (ویکتور فلمینگ، ۱۹۳۹) و پدروخوانده (فرانسیس فورد کوپولا، ۱۹۷۲) از جمله این آثار به شمار می‌آیند. در هر دو مورد فوق کتابهای نه چندان قوی، اما پراحساس به دست فیلمسازانی توانمند به آثاری با اعتبار و عمقی فزون‌تر از اصل اثر بدل شده‌اند. رمانهای درخشان تاریخ ادبیات معمولاً سخت‌تر از رمانهای پرفروش به فیلم برگردانده می‌شوند، چون سینما چنانکه باید و شاید قادر نیست شخصیت‌پردازی یا غنای کلامی اثر را به خوبی به پرده منتقل کند. اما در همین عرصه هم موارد استثنایی بارزی وجود دارد. برداشت سینمایی جوزف استریک از رمان بولیز جیمز جویس که به سال ۱۹۶۷ ساخته شد، تا حد زیادی توانسته است روح کلام جویس را همراه با شخصیت‌پردازی، صحنه‌آرایی و حتی تشریح اندیشه‌ها منتقل کند. نمایشنامه‌های شکسپیر هم از این نظر خوش اقبال بوده‌اند و آثار خوبی براساس آنها ساخته شده است که از آن جمله می‌توان به کار درخشان لارنس اولیویه در هنری پنجم (۱۹۴۴) اشاره کرد.

تطبیق‌دهنده / آداپتور adapter

وسیله‌ای که تکه‌ای از یک دستگاه را به تکه دیگری وصل می‌کند. یک نمونه خوب تطبیق‌دهنده یا آداپتور عدسی است.

صحنه‌های افزوده شده added scenes

این عبارت عموماً به صحنه‌هایی اطلاق می‌شود که پس از تکمیل فیلمنامه، یا در زمان فیلمبرداری به آن افزوده می‌شود، ولی در عین حال عبارتی است که برای نامیدن صحنه‌هایی که پس از اتمام مرحله فیلمبرداری به فیلم افزوده شده است به کار می‌رود.

گفت‌وگوی افزوده شده

additional dialogue

گفت‌وگویی که بعد از تکمیل فیلمنامه، یا در مرحله فیلمبرداری به آن افزوده می‌شود.

دستگاه چاپ رنگی افزایشی additive

color printer, additive printer

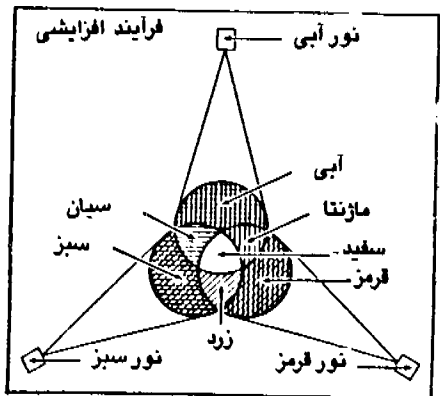
دستگاه چاپی است برای چاپ فیلمهای رنگی که از ترکیب نورهای قرمز، سبز و آبی با درجات شدتی مختلف برای حصول نتیجه

مطلوب سود می جوید. يك لامپ تنها با استفاده از آینه ای دو فام سه رنگ اصلی را می تاباند. سپس درجه های تنظیم شدت رنگ را کم و زیاد می کنند و رفلکتور (بازتابه) های دو فامی سه رنگ را با هم می آمیزند. به این ترتیب نوری که برای نوردهی فیلم رنگی باید بتابد، با شدت و توازن رنگی مطلوب به فیلم رنگی تابیده می شود. گاه هست که از سه لامپ مختلف استفاده به عمل می آید و نور هر لامپ اصلاح می شود و با نور لامپهای دیگر می آمیزد و به فیلم منفی می تابد. نیز — دستگاه چاپ رنگی کاهشی.

افزاینده افزایشی additive process

روش برای فیلمبرداری و نمایش فیلمهای رنگی که در آن سه رنگ اصلی قرمز، سبز و آبی، با شدت و میزان مختلفی با هم ترکیب می شوند تا تصویر به نمایش درآمده رنگی به نظر برسد. در روش قدیمی دو فیلمی تکنی کالر، دو فیلم سیاه و سفید در يك دوربین مورد استفاده قرار می گرفت و تصویر همزمان روی هر دو فیلم خام ضبط می شد، اما با این تفاوت که در یکی صافی قرمز و در دیگری صافی سبز به کار می رفت و در هنگام نمایش هم با دو صافی قرمز و سبز به نمایش درمی آمد و در نتیجه به تصاویر رنگ افزوده می شد. این روش دیگر کاربردی در سینما ندارد، اما روشی مشابه آن در تلویزیون به کار می آید. امروزه در نمایش تصاویر رنگی بیشتر از روش چاپ کاهشی استفاده می شود، در این روش رنگهای ناخواسته از نور سفید حذف می گردد. به این روش تصویر رنگی شفافتر و دقیقتری به دست می آید. نیز — فیلم رنگی (۲) و فرایند کاهشی.

adjustable shutter— variable-opening shutter



ad-lib ابتکار

گفتن مطالبی یا ارائه بازی بی بی آنکه قبلاً تمرین شده یا در متن فیلمنامه به آن اشاره شده باشد. نوعی بداهه سازی در سر صحنه. نیز — بداهه سازی.

ADR— automatic dialogue re-advance— sound advance placement

advertising تبلیغ

کمک کردن به فروش فیلم از طریق دادن اعلان به رسانه های جمعی و اعلام محل و زمان نمایش آن و در ضمن ارائه اطلاعاتی در مورد دست اندرکاران و قصه فیلم. شرکت پخش کننده فیلم برنامه تبلیغاتی را سر و سامان می دهد، مواد لازم را به رسانه های مختلف می رساند و امور مربوط به این کارها را هدایت و سرپرستی می کند، معمولاً هزینه تبلیغ بین پخش کننده و صاحب سینما سرشکن می شود. فیلمسازی کار پرهزینه ای است و مخارج آن باید به سرعت برگردد و اگر بناسد روند فیلمسازی ادامه یابد، باید سود تضمین شده ای در این کار حاصل آید. موفقیت تجاری فیلم همانقدر به کیفیت اثر خلق شده بستگی دارد، که به ظرائف تبلیغاتی و میزان آن. در نتیجه برای کشاندن مردم به سالنهای سینماها تمهیدات گوناگونی به کار می آید و روزنامه ها، مجلات و تلویزیون عناصر اصلی این کار هستند. امروزه تبلیغ با استفاده از آرم روی پیراهن، اسباب بازی بچه ها، تقویم و سایر اشیاء صورت می گیرد و فیلمهایی چون جنگهای ستاره ای و ای تی از این طریق به طور مستقیم بر زندگی مردم اثر می نهند.

فیلمبرداری از تصویر فضایی aerial-image photography

فرآیندی اپتیک که در آن می توان تصویر فیلم، عموماً فیلمهای زنده، نه نقاشی متحرک، را از طریق آینه ای که با زاویه چهل و پنج درجه قرار گرفته منعکس ساخت و سپس با استفاده از عدسیهای متراکم کننده ای که زیر میز دستگاه فیلمبرداری فیلمهای نقاشی متحرک مستقر شده دوباره کانونی کرد و در این مرحله کارهای مختلفی روی آن انجام داد. از جمله با طلق روی آن تصویرهایی افزود، عناوین را

به آن اضافه کرد یا تصاویری به شیوه های مختلف تولید فیلم نقاشی متحرک به آن ضمیمه کرد. این فرآیند اپتیک امکان خلق انواع نماهای مرکب را، بدون نیاز به استفاده پرهزمت از روشهای دیگری چون چاپ تماسی دو فیلمی یا فرآیند نقاب متحرک، فراهم می آورد. تصویر نقاشی شده روی طلق، تیره است در نتیجه می توان مناطق ناخواسته در فیلم اصلی را نقابگذاری کرد. در این روش استفاده از تراکنینگ و حرکت افقی وجود ندارد، اما همگدازی (دیزالو)، محو تدریجی (فید)، برهمنمایی (سوپرایموز)، و تمهیدهای دیگر در آن امکانپذیر است. این روش که برای خلق جلوه های تصویری و تصاویر نقاشی متحرک از دهه ۱۹۳۰ مرسوم بوده، امروزه بیشتر در آگهیهای تلویزیونی مورد استفاده قرار می گیرد. در فرآیند دیگری در فیلمبرداری از تصویر فضایی، يك سیستم چاپگر اپتیک به کار می آید. در این فرآیند، نقاشیها به تصویر فضایی بدل می شوند و از نسخه مثبت فیلم زنده به طور مستقیم فیلمبرداری می شود. نیز — نقاشی متحرک و دستگاه چاپگر اپتیک. ادامه دارد

